

مروری بر اشعار و مادّه تاریخ‌های فارسی تاریخ سلائیکی

نصرالله صالحی*

تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۱۲/۲، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۳/۵ (صفحه: ۲۳-۳۸)

چکیده: تاریخ سلائیکی، تألیف سلائیکی مصطفی افندی از مورخان معروف عثمانی است. نویسنده وقایع سال‌های ۹۷۱-۱۰۰۸ ق/ ۱۵۶۳-۱۶۰۰ م را بر مبنای مشاهدات شخصی و نیز اسناد و مدارک رسمی دولتی، به رشته تحریر درآورده است. این اثر دارای اطلاعات ارزشمند درباره موضوعات مختلف از جمله پاره‌ای از وقایع ایران، عثمانی و اروپاست. تاریخ سلائیکی علاوه بر اهمیت تاریخی، به لحاظ زبان و ادب فارسی نیز واجد ارزش است؛ زیرا نویسنده گاه از تعبیر و اصطلاحات فارسی در عناوین مطالب استفاده می‌کند، و مهم‌تر از آن، در جای جای کتاب در کنار اشعار ترکی، برای بیان بهتر مقصود، از اشعار فارسی نیز بهره می‌جوید. سلائیکی، در سراسر اثر خود، گاه برای ثبت تاریخ رویدادها، از مادّه تاریخ‌های ترکی و فارسی نیز استفاده می‌کند. استفاده سلائیکی از اشعار و مادّه تاریخ‌های فارسی، در هنگام نگارش تاریخ، حاکی از آشنایی و آگاهی او از زبان و ادب فارسی است. پژوهش حاضر حول این پرسش شکل گرفته است: «وجود اشعار و مادّه تاریخ‌های فارسی در تاریخ سلائیکی، که اثری به زبان ترکی است، بیانگر چیست؟».

کلیدواژه‌ها: سلائیکی، تاریخ سلائیکی، شعر فارسی، مادّه تاریخ فارسی.

مقدمه

آثار مورخان عثمانی از جنبه‌های مختلف قابل مطالعه و بررسی است. زبان و محتوا، دو جنبه قابل تأمل در این آثار است. بخش مهمی از داده‌های تاریخی منابع عثمانی در پیوند با تاریخ ایران است. با این حال، تاریخ‌پژوهان ایرانی در پژوهش‌های دانشگاهی و غیردانشگاهی داده‌های تاریخ‌های عثمانی را نادیده گرفته‌اند. علاوه بر بی‌توجهی به محتوا، به زبان این آثار نیز توجهی نشده است. آثار مورخان عثمانی چه آنها که به زبان فارسی‌اند، و چه آنها که به ترکی نوشته شده‌اند، برای آگاهی از سابقه زبان و ادب فارسی در قلمرو عثمانی دارای اهمیت است. در مقاله پیش رو، یکی از متون مهم تاریخی عثمانی به نام تاریخ سلطنتی، از حیث زبانی به‌ویژه از منظر اشعار و مادّه تاریخ‌های فارسی، مطالعه و بررسی شده است.

زبان فارسی در آناتولی

درباره نفوذ و گسترش زبان و ادب فارسی در آناتولی از دوره سلجوقیان تا عثمانیان، تاکنون پژوهش‌های ارزشمندی صورت گرفته^۱ و همچنین، برخی از متون نظم و نثر فارسی که در قلمرو آناتولی به رشته تحریر درآمده تصحیح و منتشر شده است.^۲ بنابراین، کم و کیف منابع و متون فارسی تألیف شده در آناتولی کم و بیش روشن است، هرچند هنوز جای انجام کارهای بیشتر وجود دارد. اما آنچه تاکنون تا حد زیادی مورد غفلت قرار گرفته شناخت زبان و ادب فارسی در لابه‌لای منابع و متون ترکی است. البته، در سال‌های اخیر، برخی از پژوهشگران ترکیه در آثار خود جست‌وجوی گریخته به این مسئله توجه نشان داده‌اند؛ برای نمونه، مرسل اوزترک، بعد از اشاره به اهمیت و گستردگی زبان فارسی در دوره سلجوقی و عثمانی، بر این

۱. برای نمونه ← محمد امین ریاحی، زبان و ادب فارسی در قلمرو عثمانی، پازنگ، تهران ۱۳۶۹؛ الهامه مفتاح و وهاب ولی، نگاهی به روند نفوذ و گسترش زبان و ادب فارسی در ترکیه، وزارت ارشاد، تهران ۱۳۷۴؛ شادی آیدین، عناصر فرهنگ و ادب ایرانی در شعر عثمانی (از قرن نهم تا دوازدهم هجری)، امیرکبیر، تهران ۱۳۸۵.

۲. در تاریخ ادبیات ذبیح‌الله صفا و نیز سبک‌شناسی بهار شماری از این منابع را می‌توان یافت. همچنین برای آگاهی بیشتر از مشخصات متون نظم و نثر فارسی که در قلمرو آسیای صغیر به رشته تحریر درآمده ← الهامه مفتاح و وهاب ولی، همان.

نکته تأکید می‌کند که «بخش اعظم ترکی عثمانی، از فارسی تشکیل شده است» (اوزترک: ۱۸۸). وی همچنین به متون نظم عثمانی اشاره کرده و می‌نویسد: «در آن دوره (= عثمانی)، در شعر شاعرانی که شعر به زبان عثمانی می‌سرودند، تنها افعال و ادات به زبان ترکی بودند و درک آنها بدون آشنایی با فارسی امکان نداشت» (همان‌جا).

یکی دیگر از محققان ترکیه، شادی آیدین، مسئله مذکور را به صورت دیگر بیان کرده است. وی می‌نویسد: در قرن نهم هجری «شعرای دربار عثمانی علاقه عجیبی نسبت به زبان و ادبیات فارسی نشان می‌دهند. در این دوره کلمات، اضافات و اصطلاحات زبان فارسی داخل زبان و ادبیات ترکی می‌شود. شاعران عثمانی ادیبان ایرانی را تقلید می‌کنند و آنها را برای خود سرمشق می‌گیرند» (آیدین: ۳۴). علاوه بر آن، «بیشتر شاعرانی که دیوان ترکی دارند به زبان فارسی هم اشعاری سروده‌اند» (همان‌جا). آیدین، در ادامه مباحث خود، به انتقال انواع قالب‌های شعری از ادبیات فارسی به ادبیات ترکی اشاره می‌کند و می‌نویسد: «غزل به طور مستقل از طریق ادبیات ایران به ادبیات ترکی راه یافت ... قالب مثنوی به طور کلی مربوط به ادبیات ایران است و از آنجا به ادبیات ترکی وارد شده است ... رباعی از ادبیات ایران به ادبیات ترکی وارد شده است» (همان: ۷۰-۷۱). به جز قالب‌های شعری فارسی که سرمشق شاعران ترک قرار گرفت، مادّه‌تاریخ‌سازی نیز از ایران و زبان فارسی به قلمرو آسیای صغیر راه یافت و مورد اقبال قرار گرفت.

تاریخ‌های عثمانی از حیث زبان

با اینکه نظم فارسی الگو و سرمشق نظم ترکی بود، اما تأثیر این زبان تنها منحصر به شعر و ادبیات نبود، بلکه چنین تأثیری را در حوزه‌هایی نظیر تصوف، عرفان و تاریخ نیز می‌توان سراغ گرفت. در اینجا توجه ما بیشتر معطوف به تاریخ است. نخستین تاریخ‌های نوشته‌شده در زمان سلاجقه آناتولی به زبان فارسی بود و این روند در زمان عثمانی هم کم‌وبیش ادامه یافت. نور ییلدیز می‌نویسد:

آثار تاریخی فارسی دوره عثمانی، در میان نوشته‌های تاریخی درباری عثمانی از جایگاه مهمی

در دورهٔ متقدم و کلاسیک امپراتوری عثمانی برخوردار بود. اگرچه زبان ادبی غالب در قلمرو عثمانی ترکی بود، با این حال، زبان فارسی به عنوان یک زبان معتبر و ابزار مرجح برای نشان دادن تصویری از سلطنت و پادشاهی شوکت‌مند، به عنوان یک زبان جایگزین، در تألیف آثار تاریخی کاربرد داشت (Nur Yildiz: 403).

وی اضافه می‌کند:

سنت‌های تاریخ‌نگاری ایرانی، در تألیف تاریخ‌های ترکی عثمانی تأثیر عمیق و چشمگیری داشته است. بیشتر آثار تاریخی ترکی عثمانی دورهٔ متقدم، از حیث ساختار و سبک، و نیز به لحاظ محتوا، تحت تأثیر تاریخ‌های فارسی بوده‌اند. دو نمونهٔ بارز این تأثیرپذیری اثر تاریخی یازجی‌اوغلو و انوری است. اثر یازجی‌اوغلو علی در سال ۸۴۰ هجری قمری برای سلطان مراد دوم (حکومت: ۸۲۴-۸۵۵ق / ۱۴۲۱-۱۴۵۱م) به رشتهٔ تحریر درآمده و با اسامی مختلفی نظیر «اغوزنامه»، «سلجوق‌نامه» و «تاریخ آل سلجوق»، معروف است (همان‌جا).

تاریخ‌نگاری فارسی در دربار عثمانی بدون شک با هشت بهشت ادريس بدلیسی به اوج خود رسید (صالحی ۳: ۱۰۱-۱۱۹). این اثر به درخواست یازید دوم به رشتهٔ تحریر درآمد و تأثیر عمیقی به لحاظ سبک و اسلوب در تاریخ‌های بعدی عثمانی گذاشت. حتی تاریخ‌های ترکی که بعد از هشت بهشت تألیف شد، تا حد زیادی متأثر از همین اثر بود.^۱ از دید نگارنده، متون تاریخی عثمانی، از حیث زبان، به سه دسته تقسیم می‌شوند:

۱. متونی که به فارسی نوشته شده‌اند، نظیر هشت بهشت بدلیسی.
۲. متونی که به ترکی نوشته شده‌اند، نظیر تواریخ آل عثمان اثر ابن کمال پاشازاده.
۳. متونی که به ترکی نوشته شده‌اند، اما دارای عنوان‌ها، عبارت‌ها، شعرها و مادّه تاریخ‌های فارسی هستند؛ نظیر تاریخ سلاتیکی.

از میان متون سه‌گانهٔ مزبور، تاکنون بیشتر به مورد اول و دوم پرداخته شده و در نتیجه، متون دستهٔ سوم مورد غفلت قرار گرفته است. در نوشتار پیش رو، تاریخ سلاتیکی به عنوان یک مطالعهٔ موردی انتخاب شده تا، با بررسی اشعار و مادّه تاریخ‌های فارسی آن، به متون دستهٔ سوم

۱. نور ییلدیز در مقالهٔ خود در این زمینه بحث مبسوطی آورده است.

نیز از منظر زبان و ادب فارسی نگرینسته شود. باید گفت شمار متون ترکی که دارای شعرها، عنوان‌ها و مادّه تاریخ‌های فارسی باشند کم نیست. ریاحی به‌درستی اشاره کرده است که بسیاری از متن‌های منشور ترکی به تک‌بیت‌هایی از شعرای ایران آراسته است. برای نمونه از تبریزیهٔ تعلیقی زاده و سفار تنامهٔ رحمی کریمه‌ای نام می‌برم... در بسیاری از کتاب‌ها عنوان هر فصل و باب به فارسی آمده است. در سفار تنامهٔ رحمی کریمه‌ای می‌بینید که عنوان هر مطلبی یک مصراع فارسی است که خود نویسنده سروده است (ریاحی: ۲۲۷).

سلانیکه مصطفی افندی

سلانیکه از مورخان و دولتمردان مطرح عثمانی در سدهٔ دهم هجری است. دربارهٔ خانواده، تحصیلات و زندگی خصوصی او آگاهی دقیقی در دست نیست. حتی تاریخ تولد و درگذشت او نیز روشن نیست. اطلاعاتی که بروسه‌لی محمدطاهر دربارهٔ سلانیکه ارائه می‌کند بسیار ناچیز است (بروسه‌لی: ۳، ۶۸). از طرفی، جمال‌الدین نیز به‌صراحت اظهار می‌کند که هیچ گزارش مشروحی دربارهٔ زندگی سلانیکه نیافته است (جمال‌الدین: ۴۸). آگاهی‌های ما دربارهٔ او محدود به اثر مهم او، یعنی تاریخ سلانیکه است. بنا به تصریح خود او، نخستین بار به مقام مقاطعه‌چی^۱ حرمین شریفین نایل آمد. زمان انتصاب به این مقام به درستی روشن نیست، اما وی در ۹۸۸ از این مقام برکنار شد و به استانبول بازگشت و به مدت چهار سال دواتدار نشانچی محمدپاشا بود (سلانیکه ۱: ۱۵۹، ۱۶۱). در شعبان ۹۹۲ که ایلچی صفویان، ابراهیم‌خان تواچی، در دیوان عالی با صدراعظم عثمان‌پاشا دیدار کرد، وی نیز در دیوان حضور داشت. چنان‌که در تاریخ خود به نقل مختصر این دیدار پرداخته است (همان: ۱۸۱). سلانیکه در ذیحجهٔ ۹۹۵ به مقام کاتبی سلحداران (= سلحدار کاتبی) رسید (همان: ۲۳۵). در سال ۹۹۶ که سردار عثمانی، فرهادپاشا، مأمور لشکرکشی به قلمرو صفویان در گنجه بود، سلانیکه به عنوان مورخ، موظف به حضور در این سفر نظامی شد (همان: ۲۴۳). وی می‌نویسد: «در حلول جمادی‌الآخر سنهٔ ۹۹۶ این فقیر به کتابت افواج سلحداران مأمور سفر شرق

۱. مأمور رسیدگی به اراضی اقطاع

شده، قرار دادم که خدمت سردار اکرم رفته تبدلات و حوادث وقوع یافته را در آنجا نویسم» (همان). بنابراین، وی برخوردهای نظامی سپاهیان صفوی و عثمانی را در قفقاز از نزدیک دیده و در اثر خود به گزارش آن پرداخته است (همان: ۲۴۳-۲۵۱). سلانیکی بعد از بازگشت سپاهیان به استانبول، با اینکه بر توزیع مواجب سپاهیان نظارت داشت، اما کمی بعد بدون هیچ دلیلی، در ۹۹۷ق، از منصب کاتبی عزل شد (همان: ۲۵۸). در زمان برکناری از منصب مزبور، به توصیه صدر اعظم سنان پاشا، مسئولیت مهمانداری شاهزاده حیدر میرزا، که به عنوان گروگان به استانبول فرستاده شده بود، را بر عهده گرفت (سلانیکی ۲: ۳۳۸). با پناهنده شدن خان احمد گیلانی به عثمانی و ورود او به استانبول در ربیع‌الاول ۱۰۰۰ مسئولیت مهمانداری وی بر عهده سلانیکی گذاشته شد (همان: ۳۷۵). سلانیکی، به دلیل ارتباط نزدیک با خان احمد، در تاریخ خود گزارش‌های مفیدی از دانش و شخصیت او آورده است (همان: ۴۳۰-۴۳۱). وی تا سال ۱۰۰۸ چند بار به مناصب مختلف منصوب شد. اثر او به یکباره در شوال ۱۰۰۸ پایان می‌یابد و از این تاریخ به بعد از زندگی وی اطلاعی در دست نیست؛ شاید کمی بعد از این تاریخ در گذشته باشد (احمد رفیق: ۴۹).

ارزش و اهمیت تاریخ سلانیکی

سلانیکی شهرت خود را مدیون تاریخ بسیار دقیق و مفصّلی است که درباره وقایع دولت عثمانی نوشته است (T.H.: 350). تاریخ او حاصل مشاهدات شخصی و نیز استفاده از اسناد و مدارک رسمی دولتی است. تاریخ سلانیکی از سه سال آخر سلطنت سلیمان قانونی شروع می‌شود، و تا ششمین سال سلطنت محمد سوم ادامه می‌یابد. کتاب شامل وقایع دوره چهار سلطان عثمانی است: سه سال آخر سلیمان قانونی، سلیم دوم، مراد سوم و پنج سال اول محمد سوم. سلطنت این چهار سلطان عثمانی هم‌زمان بوده است با سلطنت چهار پادشاه صفوی: سیزده سال آخر شاه طهماسب (۹۷۱-۹۸۴ق)، شاه اسماعیل دوم (۹۸۴-۹۸۵ق)، شاه محمد خدابنده (۹۸۵-۹۹۶ق) و دوازده سال نخست شاه عباس یکم (۹۹۶-۱۰۰۸ق).

تاریخ سلانیک و وقایع زمانی یک دوره سی و هفت ساله را شامل می‌شود. در این دوره سی و هفت ساله، ده‌ها ایلچی میان دو کشور رفت‌وآمد کردند تا زمینه استقرار صلح را فراهم کنند. این مسئله در منابع هر دو کشور به نوعی انعکاس یافته است. تاریخ سلانیک، جدای از اهمیتی که برای تاریخ عثمانی و اروپا دارد^۱، از منظر تاریخ ایران عصر صفوی نیز، به چند دلیل، حائز اهمیت است:

۱. حضور شخصی سلانیک در اردو کشی عثمانی به قلمرو صفویان و ارائه مشاهداتش، از وقایع نظامی.
۲. انتصاب سلانیک به عنوان مهماندار شاهزاده حیدر میرزا و همراهی او از مرز دو کشور تا استانبول و خدمتگزاری او در پایتخت.
۳. انتصاب سلانیک به عنوان مهماندار خاص خان احمد گیلانی در استانبول و حشرونشر و گفتگوهای علمی با خان مزبور، به گونه‌ای که آگاهی‌های مهمی از دوره اقامت خان احمد در استانبول و سپس رفتن او به عتبات و شروان در اختیار می‌گذارد.
۴. حضور او در دربار عثمانی در هنگام ضیافت ایلچیان ایران در دیوان عالی و نیز در هنگام شرفیابی ایلچی به حضور سلطان و گزارش گوشه‌هایی از گفتگوها و مذاکرات هیئت سفارت ایران با دولتمردان عثمانی^۲.

عناوین و اشعار فارسی تاریخ سلانیک

تاریخ سلانیک، علاوه بر اهمیت تاریخی، از حیث زبان و ادب فارسی نیز واجد ارزش است. سلانیک نخستین سطرهای اثر خود را به فارسی ساده و روان این گونه به نگارش درآورده است: دفتر حوادث روزگار و واقعات دوره که در زمان سلطنت سلطان سلیمان خان، خدایه خلافت، واقع شده، در این پریشان‌اوراق ثبت نموده شد. اگر به مرور ایام به نظر آید، امید که سبب دعا شود. و بالله العصمه و التوفیق؛ حرره فی اوائل شهر صفر سنه احدی و سبعین و تسعمائه (سلانیک ۱: ۲).

۱. درباره ارزش و اهمیت تاریخ سلانیک برای تاریخ عثمانی ← İpşirli: 417-471.

۲. برای آگاهی بیشتر در این زمینه ← صالحی ۱: ۸۳-۹۸.

یکی از ویژگی‌های تاریخ سلانیککی تعداد زیاد عناوین آن است. تنها، جلد نخست کتاب ۴۲۴ عنوان دارد. بخش مهمی از این عناوین به زبان فارسی است. فهم بقیه عناوین هم که به ترکی است برای فارسی‌زبانان چندان دشوار نیست^۱. برخی از عناوین فارسی این اثر:

- قصه رحلت ارکان دولت به محروسه ادرنه برای قشلاق و آمدن سفیر از طرف فرمانفرمای دیار شرق شاه طهماسب؛

- قصه سردار شدن سنان پاشا به فتح ولایت یمن؛

- قصه حریق در استانبول در زمان سلطان سلیم خان ثانی؛

- قصه سردار شدن وزیر مکرم احمد پاشا به جانب روم‌ایلی؛

- رفتن پادشاه اسلام به شکارگاه محروسه ادرنه؛

- آمدن خبر ملاعین کفار خاکسار و حاضر و مهیا شدن عسکر اسلام به قلعه آناوارین؛

- شکایت احوال روزگار؛

- قصه ملاقات شدن پادشاه اسلام با سید محترم نقیب‌الاشراف؛

- واقع شدن ابتداء عرض به حضور همایون برای تعمیر کعبه مکرمه؛

- قصه شهید شدن صدراعظم محمدپاشا از دست خراباتی دیوانه؛

- قصه جنگ قزلباش با لشکرهای سرحد منصوره در صحرای چلدر و انهزام شدن

ملاعین مزبور؛

- قصه تعمیر شدن قارص در کمال متانت؛

- وقوع بعض حوادث روزگار و آمدن سردار سابق مصطفی پاشا به آستانه دولت‌مدار؛

- قصه سور همایون برای ختان شهزاده سلطان محمد خان و سائر تدبیر مملکت؛

- وفات شدن عثمان پاشا و آمدن مهر صدارت به آستانه دولت از دست محمدبک.

نویسنده به جز عناوین، در جای جای کتاب، در کنار اشعار ترکی، برای بیان بهتر مقصود، از

۱. برای مثال: «پادشاه زمین و زمان سلطان مرادخان شکارگاهدن سعادتله شهره تشریف ایلدیر.»

اشعار فارسی نیز بهره جسته است. اشعار فارسی، تک‌مصراع‌ها، تک‌بیت‌ها و اشعاری با دو تا چهار بیت را شامل می‌شود. مصحح تاریخ سلانیک، محمد ایپشرلی، در مقدمه خود اشاره می‌کند که شاعران اشعار ترکی مشخص است، اما سراینندگان اشعار فارسی روشن نیست (Selaniki: 1/xxv). از نظر ما چنین نیست، سراینده برخی از اشعار فارسی مشخص و برخی دیگر نامشخص است. همچنین می‌توان احتمال داد که برخی اشعار فارسی سروده مؤلف باشد^۱؛ زیرا اشعاری در ربط با رویدادهای همعصر در کتاب دیده می‌شود که نویسنده شاهد آنها بوده است؛ برای مثال، سلانیک زمانی که درباره مرگ صدراعظم سنان پاشا گزارش می‌دهد، این اشعار را می‌آورد:

پیر نابالغ سنان پرغرور پرشرور	بود بر جمله مسلمانان عذاب مستقر
خواست لطف پادشاه لایزال و لم یزل	تا کند جسم خبیثش زیر قبر مستتر
چون هلاک قوم نوح و قوم هود و قوم لوط	بود یوم اربعاً نزد مورخ مستقر
کرد اهلاکش موافق بر هلاک این همه	گفته شد تاریخ او فی یوم نحس مستمر

(ibid: 2/ 582-583)

بنا به دلیلی که اشاره شد، می‌توان احتمال داد ابیات مزبور سروده خود سلانیک باشد. سراینده برخی دیگر از اشعار را هم می‌توان مشخص کرد؛ با این حال، آنچه برای ما در اینجا مهم است نام و هویت سراینندگان اشعار نیست، بلکه نفس وجود اشعار فارسی در یک متن مهم تاریخی ترکی است که از سوی نویسنده در جای مناسب آورده شده است. سلانیک جز این مورد، در موارد متعدد دیگر، اشعار فارسی را به گونه‌ای دقیق در جای خود آورده و گاه با استفاده از یک مصرع و یا یک بیت، به بهترین وجه ممکن، منظور و مراد خود را به خواننده انتقال داده است. در اینجا، برای نمونه، تنها به چند مورد اشاره می‌کنیم:

سلانیک، در جایی که به «شکایت از احوال روزگار» می‌پردازد، «مال طلبی» و «رشوت‌ستانی» جمعی از دولتمردان را اسباب ضعف و رخوت «عسکر اسلام» می‌خواند و برای بیان منظور، به این دو بیت شعر فارسی استناد می‌کند:

۱. این امر می‌تواند دلیلی باشد بر تسلط سلانیک به زبان فارسی و سرودن شعر به این زبان.

آلوده شد به حرصِ درم جان عالمان
این خواری از گزاف به ایشان نمی‌رسد
دردا و حسرتا که به پایان رسید عمر
[اوین حرصِ مرده‌ریگ به پایان نمی‌رسد]

(سلانیکی ۱: ۱۱۱)

سلانیکی واقعهٔ درگذشت سلطان سلیم دوم را با این سه بیت شعر فارسی آغاز می‌کند:

جهان بی‌بقایست و ناسازگار
همه کار او زشت و ناپایدار
نشد خانه‌ای در حریمش به پای
که سیل حوادث نکندش ز جای
شود آخرِ کارِ او موت و مرگ
بدن را کند جانت البته ترک

(همان: ۱۲۳)

برای بیان شادی و شغف از رسیدن خبر پیروزی سپاه عثمانی در ولایت یمن، این بیت را می‌آورد:

از این بشارت خرم که ناگهان آمد
هزار مژدهٔ شادی به ملکِ جان آمد

(همان: ۱۸۱)

دربارهٔ سوء تدبیر پرتوپاشا و قپودان پاشا و نامردی‌های آنها که با دشمن دین شده بود، این دو بیت را آورده است:

پیمان‌مشکن که هر که پیمان بشکست
از پای درافتاد و برون رفت ز دست
آن را که درست بود پیمان‌الست
نشکست به هیچ حال هر عهد که بست

(همان: ۱۹۰)

در دورهٔ عثمانی چنین مرسوم بود که پادشاه جدید، بعد از نشستن بر تخت سلطنت، اقدام به بذل و بخشش مالی می‌کرد که از این اقدام، با تعبیر «انعام جلوس» یاد می‌شد.

سلانیکی دربارهٔ انعام جلوس سلطان مراد سوم این نظم را آورده است:

جهان را به داد و دهش رام کرد
همه کار را از پی نام کرد
ز بخشش تهی کرد گنجینه‌ها
برون برد از سینه‌ها کینه‌ها

(همان: ۲۱۲)

و دربارهٔ انعام جلوس سلطان محمد سوم نیز این نظم را آورده است:

جهان را به داد و دهش رام کرد
همه کار را از پی نام کرد

همه کارها از پی نام کرد
جهان را به داد و دهش رام کرد
به بخشش تهی ساخت گنجینه‌ها
ببرون برد از سینه‌ها کینه‌ها

(Selaniki: 2/ 438)

سلانیکی دربارهٔ انتصاب خود به عنوان میهماندار و خدمتگزار خان احمد گیلانی این بیت را آورده است:

میهمان را عزیز باید داشت
ز حق آموز میهمانداری

(سلانیکی ۱: ۴۲۰)

وی دربارهٔ عزیمت سلطان سلیمان و نیز سلطان محمد سوم به نیت غزای با کفار انگروس این بیت را آورده است:

چو کوهی که پشت تکاور نشست
چو کوهی که بر باد صرصر نشست

(همان: ۱۰۸؛ 609 Selaniki: 2/)

سلانیکی دربارهٔ عدل و داد داودپاشا و عمران و آبادی چفتلگ (= مزرعه) خود که سلطان از آن بازدید کرده بود، این ابیات را می‌آورد:

هر که درین خانه شبی داد کرد
خانهٔ فردای خود آباد کرد
دادگری شرط جهان داری است
دولت باقی ز کم آزاری است
دست رعایا ز رعیت مدار
کار رعیت به رعیت سپار
مملکت از عدل شود پایدار
کار تو از عدل تو گیرد قرار

(ibid: 2/ 697)

در اینجا، برای نمونه، تنها برخی از اشعار فارسی تاریخ سلانیکی آورده شد. برای آگاهی از همهٔ اشعار و مادّه‌تاریخ‌ها، باید به ترجمهٔ فارسی تاریخ سلانیکی مراجعه شود.^۱ نگارنده در ترجمهٔ فارسی تاریخ سلانیکی تلاش کرده تا تمام اشعار فارسی را به صورت صحیح ضبط کند. متأسفانه در چاپ جدید تاریخ سلانیکی به خط لاتین، که به کوشش دکتر محمد

۱. نگارنده، در پیوست ترجمهٔ فارسی، کلیهٔ اشعار جلد دوم تاریخ سلانیکی را به صورت یکجا آورده است. اشعار و مادّه‌تاریخ‌های جلد اول نیز در متن ترجمه آمده است.

اپیشرلی صورت گرفته، تقریباً تمام اشعار فارسی یا اشتباه خوانده شده، یا بد استنساخ شده و یا به صورت نادرست حروف‌نگاری شده است.

مروری بر ماده تاریخ‌های فارسی

به تعبیر مرحوم نوایی، «یکی از جلوه‌های زیبای ذوق و اندیشه ایرانی ماده تاریخ و ماده تاریخ‌سازی است» (صدری: مقدمه نوایی، الف). ماده تاریخ یعنی مقید کردن ارقام فرّار و اشتباه‌پذیر ریاضی به حروف دری و بیان سال‌های تاریخی در قالب کلمات و عبارات و جمل به منظور حفظ ضبط صحیح تاریخ وقایع مختلف، همچون تولد و مرگ و ازدواج و فتح و شکست و جلوس و تأسیس بناهای مذهبی و عام‌المنفعه، با حفظ تناسب کلمات و عبارات با اصل واقعه. ماده تاریخ‌سازی یکی از مظاهر تجلی فکری و نمودارهای ذوق سلیم و زیباپرست ایرانی بوده و این کار از حدود قرن چهارم هجری قمری آغاز شده و تا امروز، هرچند بسیار رنگ‌پریده و نفس‌بریده، ادامه دارد (همان: مقدمه نوایی، ب).

ماده تاریخ بر مبنای حساب جُمَّل ساخته می‌شده است، حساب جُمَّل در پهنه بی‌کرانه ادب فارسی نقشی بسزا در ثبت وقایع تاریخی داشته و در حقیقت پلی بوده است بین تاریخ و ادب فارسی و یا ادب فارسی با تاریخ (همان: ۳).

ماده تاریخ‌سازی در بین سرایندگان زبان و ادب فارسی بسیار رایج و متداول بوده و برای هر موضوعی، چه مهم و چه غیرمهم، با سرودن ماده تاریخ، تاریخ آن واقعه را ثبت و ضبط می‌نموده‌اند. این گونه تاریخ‌ها بسیار دقیق‌تر و صحیح‌تر از تاریخ‌هایی است که مورخان به نثر در کتب تاریخی ثبت کرده‌اند. زیرا خطا در تاریخ‌های ثبت‌شده به حساب جُمَّل بسیار اندک است، ولی امکان اشتباه کاتب در تاریخ‌های ثبت‌شده به صورت عدد در متون نثر تاریخی کم نبوده است. اشتباه‌های ناشی از نوشته کاتب، آیندگان را دچار مشکلات زیادی برای یافتن تاریخ درست واقعه می‌نماید؛ از اینجاست که اهمیت ثبت تاریخ به حساب جُمَّل روشن می‌شود (همان: مقدمه نوایی، ی).

و اما پیشینه و سابقه ماده تاریخ به ادبیات فارسی برمی‌گردد و در ادبیات عرب و ترک

چنین چیزی سابقه نداشت. نخستین بار در ادبیات فارسی بود که ماده تاریخ‌سازی پدید آمد و به تدریج اصول و ضوابط آن تدوین و تثبیت شد و بعدها وارد ادبیات ترک و عرب گردید. حساب ابجد و به کار گرفتن حساب جمل در ادبیات ترکی تحت تأثیر ادبیات فارسی رواج یافت. ماده تاریخ‌سازی در میان ترکان به‌ویژه از دوره عثمانی رواج و گسترش بیشتری یافت (TDEA: 8/ 268).

آیدین بر این باور است که

ماده تاریخ نوشتن در ادبیات ایرانی ظاهر شد و قوانین اولیه آن از ایران گرفته شد. ماده تاریخ در ادبیات ایران بعد از قرن دوازدهم/ ششم یعنی اواخر دوره سلجوقیان^۱ دیده شد و به تدریج توسعه یافت؛ از ادبیات ایران وارد ادبیات ترکی شد و به‌خصوص توسط ترکان عثمانی پیشرفت کرد (آیدین: ۷۱).

سلانیکی، برای ثبت تاریخ رویدادها، بارها از ماده تاریخ‌های فارسی و ترکی استفاده کرده و حتی در برخی ماده تاریخ‌های ترکی، به جای واژه ترکی، معادل فارسی آن را به کار برده است؛ برای نمونه، در ذکر تاریخ حبس شدن حسن پاشا این ماده تاریخ را می‌آورد: «قله هفت^۲ ده حبس اولدی حسن پاشا» (Selaniki: 2/ 734).

در اینجا، برای نمونه، به برخی از ماده تاریخ‌های فارسی تاریخ سلانیکی اشاره می‌کنیم؛ مثلاً، در ذکر تاریخ به سلطنت رسیدن سلیم ثانی (۹۷۴ق/ ۱۵۶۶م)، وی دو بیت شعر از سروده‌های آن پادشاه را که مصرع چهارم آن متضمن ماده تاریخ است می‌آورد:

من که بودم سایه پروردگار پادشاهی داد حق بی‌اشتباه
چون میسر شد سلیمی تاج‌وتخت کرده‌ام تاریخش «از ظل اله»

(سلانیکی ۱: ۸۳)

۱. غزنویان صحیح است، نه سلجوقیان، چنان که صدری می‌نویسد: «قدیمی‌ترین ماده تاریخی که به حروف ابجد ساخته شده تاریخی است در باب منصوب شدن سیف‌الدوله محمود بن ابراهیم غزنوی به حکومت هند در سال ۴۶۹ قمری که مسعود سعد سلمان قصیده‌ای ساخته است» (← صدری: مقدمه نوایی، ی، یا).
۲. منظور از «قله هفت» همان زندان معروف «یدی‌قله» ی استانبول است که مخصوص مجرمان سیاسی، نظامی و امنیتی بود.

سلانیک، درباره شکست پرتوپاشا و بازگشت او به استانبول، این مادّه تاریخ را آورده است: «از باد هوا آمد و بر باد هوا رفت» (همان: ۱۸۹). همچنین در بیان تاریخ مرگ محمدآغا دارالسعاده آغاسی این مادّه تاریخ را ذکر کرده: «رفت از عالم آن بلای سیاه» (همان: ۳۵۱)، در ذکر تاریخ درگذشت سلطان سلیمان این مادّه تاریخ را آورده است: «شهادت راه حق سلطان سلیمان» (همان: ۱۳۸)؛ در ذکر سال به وزارت رسیدن محمدپاشا این مادّه تاریخ را آورده است: «میرمیران هم مصاحب هم وزیر» (همان: ۲۹۷)؛ و در ذکر تاریخ شهید شدن صدراعظم محمدپاشا، این مادّه تاریخ را آورده است: «شهید دشنه شد» (همان: ۲۳۸).

تعداد مادّه تاریخ‌هایی که سلانیک در اثر خود به کار برده بیشتر از مواردی است که در اینجا اشاره شد. استفاده سلانیک از مادّه تاریخ‌های فارسی و ترکی در اثر خود حاکی از آشنایی و تسلط او به زبان فارسی و نیز آگاهی او از اهمیت مادّه تاریخ در ضبط صحیح وقایع و رویدادهای تاریخی است.

نتیجه

در اغلب آثار منثور ترکی، به‌ویژه در متن‌های تاریخی، اشعار و مادّه تاریخ‌های فارسی به فراوانی راه یافته است. این مسئله به‌واقع نشان‌دهنده آگاهی و تسلط نویسندگان تُرک به زبان و ادبیات فارسی، شناخت مؤلفان از اشعار شاعران پارسی‌گوی سده‌های گذشته، ذوق و علاقه ادبی نویسندگان و نیز وقوف آنان به اهمیت مادّه تاریخ در ضبط درست تاریخ وقایع مختلف، و همچنین آشنایی خوانندگان تُرک‌زبان با زبان و شعر فارسی است.

علاوه بر اینها، می‌توان گفت نویسندگان، با آوردن اشعار و قطعات ترکی و فارسی در لابه‌لای اثری منثور، قصد آن داشته‌اند تا متن تاریخی را از یکنواختی کسل‌کننده و آزاردهنده خارج و آنها را جذاب و خواندنی کنند.

به این منظور، حتی گاه خود نویسنده، به مناسبتی، به سرودن اشعار دلکش و زیبا پرداخته و نظم و نثر را با هم درآمیخته است. به هر رو، نویسندگان دوره عثمانی، به‌ویژه

مورّخان ترک که با چنین روشی به خلق آثار منشور ترکی اقدام کرده‌اند، بدون آنکه خود احیاناً متوجه بوده باشند، خدمت شایسته و ارزشمندی به زبان و ادب فارسی کرده‌اند. یکی از این مورّخان، سلانیکی مصطفی افندی است که در هر دو جلد تاریخ خود، به گونه‌ای گسترده، از اشعار، قطعات و مادّه تاریخ‌های فارسی استفاده کرده است. البته هنر سلانیکی در آن است که دقیقاً به طرزی استادانه از اشعار فارسی درست در جای خود استفاده کرده؛ چنان که او گاه با استفاده از یک مصراع و یا یک بیت، به بهترین وجه ممکن، منظور و مراد خود را به خواننده رسانده است.

منابع

- آیدین، شادی، عناصر فرهنگ و ادب ایرانی در شعر عثمانی (از قرن نهم تا دوازدهم هجری)، امیرکبیر، تهران ۱۳۸۵.
- احمد رفیق، عالم‌ر و صنعتکارلر، کتابخانه حلمی، استانبول ۱۹۲۴.
- اوزترک، مرسل، «جایگاه زبان فارسی در فرهنگ ترک»، سمپوزیوم روابط ترک - ایران از گذشته تا امروز، بنیاد تاریخ ترک، آنکارا ۱۳۸۲.
- بروسه‌لی محمد طاهر، عثمانلی مؤلفری، [بی‌نا]، استانبول ۱۳۴۲.
- جمال‌الدین، محمد، آئینه ظرفاء، [بی‌نا]، استانبول ۲۰۰۳.
- ریاحی، محمدامین، زبان و ادب فارسی در قلمرو عثمانی، پازنگ، تهران ۱۳۶۹.
- سلانیکی مصطفی افندی (۱)، تاریخ سلانیکی، مطبعه عامره، استانبول ۱۲۸۱.
- _____ (۲)، تاریخ سلانیکی (۹۷۱-۱۰۰۸)، ترجمه از ترکی عثمانی: حسن بن علی (در ۱۲۸۲ق)، تصحیح، ترجمه، مقدمه، توضیحات و پیوست‌ها: نصرالله صالحی، طهوری، تهران ۱۳۸۹.
- صالحی، نصرالله (۱)، «ارزش گزارش‌های سلانیکی درباره روابط عثمانی - صفوی (۹۷۱-۱۰۰۸ قمری)»، فصلنامه تاریخ روابط خارجی، س ۱۱، ش ۴۴، پاییز ۱۳۸۹، ص ۸۳-۹۸.
- _____ (۲)، «ایران در متون و منابع عثمانی (اثری از سلانیکی مصطفی افندی)»، گزارش میراث، س ۹، ش ۷۱-۷۰، مرداد - آبان ۱۳۹۴، ۹۲-۹۵.
- _____ (۳)، «تأملاتی در تاریخ‌نگاری فارسی در دوره عثمانی»، فصلنامه مطالعات تاریخ اسلام، س ۸، ش ۳۰، پاییز ۱۳۹۵، ص ۱۰۱-۱۱۹.

صدری، مهدی، حساب جُمَل در شعر فارسی و فرهنگ تعبیرات رمزی، ابا مقدمه عبدالحسین نوائی، مرکز نشر دانشگاهی، تهران ۱۳۷۸.
مفتاح، الهامه و وهاب ولی، نگاهی به روند نفوذ و گسترش زبان و ادب فارسی در ترکیه، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، تهران ۱۳۷۴.

İpşirli, Mehmet, "Mustafa Selaniki and His History", *İstanbul Üniversitesi Edebiyat Fakültesi, Tarih Enstitüsü Dergisi*, Sayı 9, 1978, s. 417- 471.

NUR Yıldız, Sara, "Historiography xiv. The Ottoman Empire", *Iranica*, vol. XII, fasc. 4, pp. 403-411.

SELANIKI, Mustafa Efendi, *Tarih-i Selaniki* (971-1008/ 1563-1600), 2 Cilt, Mehmet İpşirli (Haz.), Türk Tarih Kurumu, Ankara 1999.

TDEA, "Tarih düşürme", *Türk Dili ve Edebiyatı Ansiklopedisi*, Dergah Yayınları, İstanbul 1998, C. 8, s. 263-268.

T. H., "Selânikî", *İslâm Ansiklopedisi*, Milli Eğitim Basımevi, İstanbul 1965, C. 10, s. 349-351.

